

نگاهی به دستاوردهای سازمان کودکان بدسرپرست در آمریکا

جنبش اجتماعی در حمایت از کودکان بدسرپرست



گزارش

براساس آمارهای منتشر شده طی دودهه گذشته، تعداد کودکان

نیویورک که زیر چتر مراقبت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند به لطف شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی، کاهش چشمگیری داشته‌است. حال‌سوال اینجاست که چه درسی می‌توانیم از این اتفاق بگیریم.

آمار تعداد کودکانی که تحت‌سرپرستی دولت قرار گرفته‌اند در سال ۱۹۹۴ میلادی، رقمی معادل ۵۰ هزار کودک بوده‌است، این در حالی است که این‌آمار در سال ۲۰۱۶ میلادی به حدود ۱۰ هزار نفر کاهش یافته‌است.

این در حالی است که در همین دوره روند ثبت سرپرستی کودکان انگلیسی در مراجع مربوطه سیر صعودی داشته و سال ۲۰۱۶، رکورد رشد ۱۶ درصدی به خود دیده و تنها طی این سال ۱۰۴۰ مورد ثبت درخواست پشتیبانی دادگاه از کودکان ثبت شده‌است.

انجمن مددکاران اجتماعی انگلستان (BASW) سال گذشته با اشاره به عدم ثبت درخواست پشتیبانی و دریافت خدمات از سوی خانواده‌ها در این نهاد، یک واقعیت مهم را مطرح کرد که براساس آن، مشخص شد میزان اعتماد خانواده‌ها به مددکاران اجتماعی کاهش چشمگیری داشته‌است. به اعتقاد این نهاد، بی‌اعتمادی والدین انگلیسی به مددکاران اجتماعی آن قدر شدت گرفته که در صورت بی‌توجهی به آن، مشکلات عمده‌ای در آینده نزدیک، گریبان

جامعه را خواهد گرفت. بنابراین انجمن مددکاری اجتماعی انگلستان طی یک برنامه تحقیقاتی با عنوان «آیا والدین دشمن شده‌اند؟» سال گذشته تلاش کرد ریشه این معضل اجتماعی را یافته و برای آن راه حل مشخصی ارائه کند. «تریسی کارتر»، موسس یک صندوق رفاه کودکان در نیویورک در این برنامه به عنوان مشاور حضور داشته و می‌گوید: «۱۸ سال پیش با توجه به بحران کودکان بدسرپرست در نیویورک سازمانی تشکیل دادیم که خوشبختانه امروز دستاوردهای قابل توجهی داشته‌است، بنابراین به دعوت انجمن مددکاری اجتماعی انگلستان (BASW) در این تحقیقات شرکت دارم تا از تجارب خود در این زمینه بگویم».

کارتر در باره شرایط آغاز به کار فعالیتش می‌گوید: «اواخر دهه ۹۰ میلادی بخش قابل توجهی از مادران و پدران نیویورک درگیر مشکلات مختلف از جمله فقر بودند یا گرفتار مواد مخدر شده بودند، از این رو هیچ توجه و دقت نظری در تربیت و شرایط کودکان خود نداشتند، بر همین اساس در خواست‌های سرپرستی دولت از کودکان همچنان سیر صعودی داشت».

وی می‌افزاید: «در آن دوره با توجه به بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که اصلی‌ترین مشکل والدین برای سرپرستی کودکان، فقر و بیکاری است که اگر این معضل برطرف شود قطعاً علاقه‌مند هستند خودشان کودکان را تربیت کنند.» این فعال اجتماعی می‌گوید: «در

همان دوره تصمیم گرفتیم با تشکیل این صندوق، روند کاهش فقر در میان والدین نیویورکی را آغاز کنیم و خوشبختانه در این زمینه امروز موفق عمل کرده‌ایم. چون نزدیک به ۱۰ هزار عضو داریم و هم‌زمان در حال ایجاد فرصت‌هایی برای والدین هستیم».

به گفته وی، این صندوق با حمایت از سه مادر آمریکایی - آفریقایی کارش را آغاز کرد به این ترتیب که با پرداخت هزینه ترک اعتیاد آن‌ها و حمایت‌شان برای یافتن شغل مناسب، وضعیت مالی آن‌ها را تثبیت کرد تا بتوانند دوباره درخواست مراقبت از کودکان‌شان را به دادگاه ارائه کنند.

کارتر می‌گوید: «پس روند اگر چه دو سال طول کشید، اما در نهایت شش کودک به آغوش خانواده خود بازگشتند و اتفاقاً این سه مادر به عنوان عضوی از گروه، شروع به کمک به سایر خانواده‌ها کردند تا بتوانند با این جنبش اجتماعی تعداد کودکان تحت سرپرستی دولت و سازمان مددکاری را به حداقل برسانند.» وی در باره جمع همکارانش می‌افزاید: «امروز نزدیک به ۴۰۰ نفر در قالب وکیل، مشاور اشتغال، مددکار و روان‌شناس در این صندوق فعالیت می‌کنند و با برگزاری دوره‌های آموزشی در بخش‌های مختلف تلاش می‌کنند والدین را حمایت کنند تا خودشان سرپرستی فرزندان‌شان را برعهده گیرند.»

کارتر معتقد است، درس اصلی این صندوق به سایر نهادهای اجتماعی این است که والدین باید حقوق خود نسبت به فرزندان‌شان را بدانند و به این باور برسند که جزئی از برنامه‌های

حمایتی هستند و هر فعالیتی انجام دهند به نفع خودشان و کودکان‌شان خواهد بود.

نکته قابل توجه این است که کارتر می‌گوید: «موفقیت این جنبش اجتماعی باعث شده نهادهای رسمی مددکاری در نیویورک بخشی از بودجه سازمانی خود را به عنوان کمک‌های دولتی در اختیار صندوق قرار دهند تا بتوانند برنامه‌های خود را توسعه دهند، چون مسئولان دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که جنبش‌های اجتماعی که خود مردم در آن‌ها درگیر هستند موفق‌تر از برنامه‌های آن‌ها عمل کرده و هزینه کمتری برای دولت خواهد داشت.»

کارتر تأکید می‌کند: «دولت‌ها معمولاً با توجه به گرفتاری‌های مالی و اقتصادی خود اولین بخشی را که نادیده می‌گیرند موضوع مددکاری و ارائه خدمات اجتماعی به کودکان است، از این رو باید سازمان‌های مردم‌نهاد با استفاده از توانمندی‌های خود برای ایجاد سیستم مناسب وارد میدان شوند.» وی در این زمینه می‌افزاید: «سال ۲۰۱۶ با توجه به دستاوردهای قابل توجهی که داشتیم برنامه‌ای با عنوان «کارایی جمعی» را در نیویورک تدارک دیدیم که در آن سه هزار پدر و مادر حضور داشتند و براساس برنامه‌های آموزشی که با کمک آن‌ها در سراسر نیویورک برگزار شد یک‌باره تعداد درخواست‌های سرپرستی کودکان در این منطقه ۱۵ درصد کاهش یافت.»

این فعال اجتماعی درباره شرایط انگلستان نیز می‌گوید: «طی

حضورم در انگلستان و همراهی با انجمن مددکاری اجتماعی این کشور، به این نتیجه رسیدم به رغم اینکه دولت همواره اعلام می‌کند، در حال برنامه‌ریزی برای ارائه بیشتر کمک‌های اجتماعی به مردم است، اما هنوز هیچ درک درستی از ریشه اصلی مشکل ندارد.»

کارتر تأکید می‌کند: «وقتی مسئولان ریشه اصلی معضل را درست نشناخته باشند هر چه بودجه برای این منظور تصویب کنند باز هم کم بوده و دست‌آورد مشخصی ندارند، چون اصلی‌ترین معضل خانواده‌ها برای سرپرستی فرزندان خود فقر و بیکاری است.» وی معتقد است، فقر و بیکاری عاملی است که والدین به آینده فرزند خود بی‌تفاوت شده و در نهایت درگیر شدن آن‌ها به مسائلی از جمله اعتیاد باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده می‌شود که این یعنی کودکان بیشتری برای دریافت خدمات اجتماعی و سرپرستی دولت و هزینه‌ای بالاتر برای خزانه.

کارتر در پایان می‌گوید: «مسئولان دولتی باید اجازه شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد را بدهند و حتی از آن‌ها حمایت کنند، چون بدنه جامعه بهتر و دقیق‌تر می‌تواند به هم نوازش کمک کند تا مدیرانی که هیچ تصور دقیقی از واقعیت مشکل ندارند، این در حالی است که چنین سیاستی برای مسئولان هزینه‌های کمتری از شرایط فعلی خواهد داشت.»

منبع: گاردین

بر اساس اهمیت یادگیری کودکان از سنین پایین ارائه می‌شود

آموزش زودرس برنامه‌ای در قاره سبز

بررسی‌های انجام‌شده برنامه‌های رفاه اجتماعی کودکان در قاره سبز بیانگر این نکته‌است که خانواده‌ها در این کشورها، پس‌انداز کافی برای دوران نوجوانی فرزندان خود ندارند، چون هر چه داشتند در دوران کودکی هزینه کرده‌اند. در این تحقیقات نتایج به‌دست آمده تأکیدی بر این نکته‌است که اگر چه طی دوران کودکی و تا قبل از شش سالگی دولت‌ها برنامه‌های حمایتی گسترده‌ای برای خانواده‌ها ارائه می‌کنند تا به نوعی آینده کودکان تضمین شده باشد، اما شرایط موجود حاکم بر جامعه، عاملی است تا دوران نوجوانی این گروه نادیده گرفته شود. در این کشورها از زمان تولد تا قبل از شش سالگی، قانون همه موارد مورد نیاز خانواده‌ها و کودکان را مدنظر قرار داده و تقریباً چیزی نیست که برای امنیت اجتماعی و رفاه خانواده نادیده گرفته شده باشد، اما آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد دقیقاً پس از پنج سالگی یک‌باره قوانین، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند که نهایتاً دوران نوجوانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «گنس براون»، جامعه‌شناس، در این زمینه می‌گوید: «به‌طور کلی از سه سالگی تا ده سالگی زمانی است که شخصیت و توانمندی ذهنی کودکان در حال شکل‌گیری است، اما یک‌بار به توجه به کاهش کمک‌هزینه‌های دولتی اغلب خانواده‌ها امکان توجه به فرزندان خود را ندارند.» براون معتقد است، این اتفاق باعث می‌شود یک‌بار به شکاف قابل توجهی در برنامه‌های آموزشی کودکان به دلیل شرایط اقتصادی خانواده ایجاد شود و همین امر می‌تواند آینده‌ای نگران‌کننده در اقتصاد کشور و خود خانواده‌ها ایجاد کند. وی تأکید می‌کند: «معمولاً دورمای به‌عنوان حمایت‌های قانونی دولت از خانواده‌هایی که تازه فرزند دیگری آورده‌اند بر اساس قانون در نظر گرفته شده که بسیار کوتاه‌است و پس از یک سالگی معمولاً خانواده‌ها یک‌بار به با هزینه‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شوند که درصد کمی از آن، توسط حمایت‌های دولتی پوشش داده می‌شود.» این جامعه‌شناس می‌افزاید: «پس از دوسالگی اغلب والدین به‌خصوص خانواده‌های متوسط از نظر اقتصادی مجبور هستند برای تأمین آینده فرزندشان زمان زیادی را در محل کار خود باشند در حالی که تا قبل از این دوره، بیشتر اوقات خود را با کودکان گذرانده‌اند و نکته اینجاست که دقیقاً در همین دوره، آموزش، نقش کلیدی در آینده کودکان دارد.» این جامعه‌شناس، با اشاره به اهمیت همگانی شدن آموزش زود هنگام در کشورها می‌افزاید: «همه کودکان حق دارند در این دوره در بالاترین سطوح یادگیری، دسترسی آسان و ساده به سیستم آموزشی داشته باشند، ولی می‌بینیم در بخش‌های مختلف شهرها متناسب با شرایط اقتصادی خانواده‌ها سطوح مختلفی از نظام آموزش، بهداشتی و اجتماعی در اختیار کودکان قرار می‌گیرد.» به گفته براون، در واقع لایه‌های مختلف اجتماعی دقیقاً در همین سن کودکان شکل می‌گیرد و از آنجا که این کودکان آینده‌سازان جامعه هستند، اگر با همین شرایط روبه‌رویم دوره یادگیری آن‌ها را دست‌خوش تغییرات معنادار به دلیل سیاست‌های حمایتی کنیم قطعاً در آینده جامعه باید هزینه بالاتری برای مدیریت آن‌ها بپردازیم. وی می‌گوید: «سال گذشته کمیسیون اتحادیه اروپا اعلام کرد، ۶۶ درصد کودکان این اتحادیه در سنین یادشده به آموزش و مراقبت‌های مناسب دسترسی ندارند. به عنوان مثال، در ۲۸ کشور منطقه از جمله ۱۰ کشور مهم اتحادیه اقتصادی اروپا همه حمایت‌ها از بدو تولد تا حداقل پنج سالگی ارائه می‌شود، در حالی که اصل اهمیت آموزش کودکان از شش سالگی خواهد بود.» این در حالی است که بسیاری از کشورهای اروپایی، سیستم مناسبی برای ایجاد سیستم آموزش مناسب و زودرس در کودکی در قوانین خود ارائه نمی‌کنند و کودکان زیر سه سال به نوعی فقط از نظر مالی حمایت می‌شوند و پس از شش سالگی هم که مشخص است، «فرانک چمبرل» یک مددکار اجتماعی در این زمینه می‌گوید: «خانواده‌ها در اکثر کشورهای اروپایی پس پایان دوره مرخصی زایمان اصولاً برای نگهداری فرزندان خود باید از خدمات خصوصی و نیمه خصوصی نگهداری کودکان استفاده کنند تا بتوانند در محل کارشان حاضر شوند و دقیقاً مشکل از همین نقطه آغاز می‌شود.»



عماد عزی
مترجم

بر اساس
آمارهای
منتشر شده طی
دودهه گذشته
تعداد کودکان
نیویورکی
که زیر چتر
مراقبت‌های
اجتماعی قرار
می‌گیرند
به لطف
شکل‌گیری
یک جنبش
اجتماعی،
کاهش
چشمگیری
داشته‌است

منبع: childcarecanada

جامعه از داروهای هومیوپاتی، همچنین ترک اعتیاد استفاده کرده‌اند که این رقم بالای به بودجه تأمین اجتماعی این کشور تحمیل کرده‌است.

لازم به یادآوری است، پس از انتشار سیاست‌های جدید تأمین اجتماعی فرانسه کمپین‌های مخالفت با آن ایجاد شده‌است که در آن موضوع اشتغال، همچنین نیازهای درمانی مخاطبان مورد تأکید قرار گرفته و تاکنون نزدیک به یک میلیون امضا در مخالفت با این سیاست جدید دولت فرانسه جمع شده‌است.

درمانی، موارد یادشده از فهرست دریافت خدمات حذف خواهند شد.»

به گفته این مقام مسئول در بخش بهداشت و درمان فرانسه، اهداف تعیین‌شده برای صرفه‌جویی ۱۲۷ میلیون یورویی خدمات تأمین اجتماعی کشور بوده و به ترتیب جهت دستیابی به رقم تعیین‌شده سیاست‌های جدیدی اعمال می‌شود. وی همچنین تصریح کرد: «براساس برآوردهای انجام‌شده، سال ۲۰۱۸ میلادی نزدیک به هفت میلیون فرانسوی، یعنی معادل یک درصد از کل

سیاست‌های انقباضی تأمین اجتماعی فرانسه

«گنس بوزین»، وزیر بهداشت فرانسه، در این زمینه گفت: «بررسی‌های انجام‌شده مشخص کرده، ارائه خدمات بیمه‌ای به این نوع از داروها و شیوه‌های درمانی، منطق اقتصادی نداشته و دستاوردهای آن، متناسب با سیاست‌های کشور نیست.»

بوزین در ادامه افزود: «برای اولین اقدام در این زمینه پرداخت هزینه‌های

بر اساس سیاست‌های جدید تأمین اجتماعی فرانسه، از ابتدای سال ۲۰۲۱، برخی کمک‌هزینه‌های بیمه‌ای داروها و خدمات بهداشتی فرانسوی‌ها حذف خواهد شد. در آخرین اطلاعیه‌ای که وزارت بهداشت این کشور منتشر کرده، کمک‌هزینه داروهای هومیوپاتی و برخی داروهای ترک اعتیاد، قطع یا کاهش خواهند یافت.